

بررسی جایگاه قیام عاشورا و شهادت امام حسین از دیدگاه اهل سنت

علی حیدری نیا*، محمدرضا علیزایی، محمداصغری حسامیه

مدرسین گروه حقوق، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران

چکیده

واقعه عاشورا، یکی از وقایعی است که به این راحتی قابل انکار نیست. شاید خیلی از اتفاقاتی که از زمان رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) و در زمان حیات امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) و حضرت زهرا(سلام الله علیها) و فرزندشان امام حسن مجتبی(ع) رخ داد، از طرف دشمنان و معاندان و یا علمای اهل سنت قابل انکار و یا کتمان بوده باشد؛ اما این واقعه به سبب دلایل بسیاری قابل چشم پوشی از طرف هیچ کس در طول تاریخ نبوده است. درموضوع قیام عاشوراغالب اهل سنت جزءموافقان و تأییدکنندگان قیام حسینی هستندوبراین باورندکه قیام امام حسین (ع) و خاندان و بارانش برحق و صحیح بوده است.

واژه‌های کلیدی: عاشورا، امام حسین، اهل سنت، قیام عاشورا.

مقدمه

همدردی عاطفی و همنوایی روحی با عاشورا و شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش اختصاص به شیعیان ندارد. این مطلب حتی در میان اهل سنت نیز به مذهب خاص و گرایش ویژه محدود نمی شود، بلکه حالت فراگیر دارد. از این رو، اهل سنت به طور عموم از شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش اظهار اندوه و حزن کرده و در عمل هم از فجایع کربلا اظهار نفرت و انزجار نموده اند. البته چگونگی ابراز تالم آنان متفاوت بوده است؛ برخی همچون شیعیان، افزون بر اشک روان بر امیر کاروان عاشورا، بر آمران و مباشران این فاجعه لعن فرستاده اند و شماری پس از اظهار تاسف و غم نسبت به واقعه کربلا، پی آمدهای معنوی و کرامات بی مانند شهادت جان سوز آل رسول صلی الله علیه و آله را نگاشته و عمق جنایت عاملان عاشورا را از این رهگذر تصویر نموده اند. بدون تردید امام حسین - علیه السلام - فرزند رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - یکی از سروران جوانان اهل بهشت و از اهل بیت پیامبر - علیه السلام - می باشد. که در قرآن کریم محبت و دوستی شان با آیه مودت بر مسلمین واجب گردیده است. وقتی که آیه شریفه «... قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ» نازل گردید، از رسول خدا(ص) سوال شد این خویشاوندان شما کیست که محبت و دوستی آنان بر ما واجب شده است؟ رسول الله ص0 ص9 فرمود: علی، فاطمه و دو فرزند او(حسن و حسین). و نیز احادیثی از رسول خدا(ص) از طریق اهل سنت نقل شده که بر این محبت و دوستی تاکید دارند. یکی از این روایات که مشتمل بر جملات متعددی است با جمله «من مات علی حب آل محمد مات شهیداً» آغاز می گردد و به جمله «ألا و من مات علی بغض آل محمد مات كافراً و من مات علی بغضهم لم یشم رائحه الجنة» به پایان می رسد. در کتابهای معتبر اهل سنت آمده که رسول خدا(ص) فرمود: قسم به آن کسی که جان محمد در دست اوست هیچ کس با ما اهل بیت دشمنی نمی کند مگر اینکه خدا او را وارد جهنم کند. (ابن حیان بستی، 1411). آلوسی یکی از مفسرین اهل سنت از این حدیث این نتیجه را می گیرد که محبت اهل بیت بر تمام مسلمانان فرض می باشد.

ضرورت و اهمیت موضوع تحقیق

درباره انگیزه و هدف انقلاب کربلا و مسائل آن، نظرات و دیدگاههای فراوانی از سوی دانشمندان اهل سنت طرح شده است اما آنچه بین اهل سنت در مواجهه با فاجعه کربلا حسینی در سال 61 قمری مطرح و مشهور است، داشتن دو نوع تفکر و دیدگاه تحت عناوین: موافقان قیام؛ و میانه‌روها یا موافقان محتاط است. در این مقاله سعی شده است تا آراء و اندیشه‌های گروه اول و برخی عبارات و جملات ایشان بیان گردد تا با تحلیل آنها بتوان به این نتیجه که عاشورا و قیام حسینی می‌تواند به عنوان عاملی در جهت رسیدن به وحدت و تقریب شیعه و اهل سنت منجر شود، دست یافت. قبل از ورود به مبحث اصلی، شناخت معنا و مفهوم اهل سنت و جماعت که در قرون متمادی در جهان اسلام کاربرد دارد، ضروری است.

جایگاه قیام امام حسین از دیدگاه اهل سنت

بدون تردید امام حسین فرزند رسول خدای یکی از سروران جوانان اهل بهشت و از اهل بیت پیامبر است که در قرآن کریم محبت و دوستی شان با آیه مودت بر مسلمین واجب شده است. وقتی که آیه شریفه «... قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ» نازل شد، از رسول خدا(ص) سوال شد: این خویشاوندان شما

کیست که محبت و دوستی آنان بر ما واجب شده است؟ رسول الله ص فرمود: علی، فاطمه و دو فرزند او حسن و حسین. و نیز احادیثی از رسول خدا ص از طریق اهل سنت نقل شده که بر این محبت و دوستی تأکید دارند. یکی از این روایات که مشتمل بر جملات متعددی است با جمله «من مات علی حب آل محمد مات شهیداً» آغاز می‌شود و به جمله «ألا و من مات علی بغض آل محمد مات کافراً و من مات علی بغضهم لم یشم رائحة الجنة» به پایان می‌رسد. در کتاب‌های معتبر اهل سنت آمده که رسول خدا ص فرمود: قسم به آن کسی که جان محمد در دست اوست، هیچ کس با ما اهل بیت دشمنی نمی‌کند مگر اینکه خدا او را وارد جهنم کند (ابن حبان بستی، 1411).

و بر طبق حدیث رسول خدا ص که در صحیح مسلم از زبان عایشه همسر پیامبر نقل شده است، امام حسین از مصادیق بارز اهل بیت به شمار می‌آید، عایشه می‌گوید: روزی پیامبر اسلام ص صبح بین طلوعین جامه‌ای را که از پشم سیاه بافته شده بود بر خود انداخت، در این هنگام حسن بن علی آمد و رسول خدا او را زیر جامه کنار خود برد، لحظه‌ای بعد حسین آمد او نیز زیر جامه کنار رسول خدا رفت و پس از آن فاطمه دختر رسول خدا آمد، او هم زیر جامه رفت و سپس علی آمد و با آنان در زیر جامه یکجا شد. در این زمان رسول خدا فرمود: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» احزاب/33.

در مستدرک حاکم و کتاب‌های دیگر اهل سنت نیز از زبان ام سلمه همسر دیگر پیامبر ص نقل شده است که زمانی که این آیه در خانه من بر پیامبر نازل گردید پیامبر ص علی، فاطمه، حسن و حسین را در زیر کساء جمع کردند و فرمودند: «اللهم هؤلاء اهل بیتی» ام سلمه می‌گوید: من عرض کردم آیا من از اهل بیت نیستم، فرمودند: تو اهل منی و با خیر هستی و اینان اهل بیت من هستند. از طرف دیگر امام حسین نه تنها فرزند بلکه پسر رسول خدا ص است. امام فخر رازی آیه شریفه مباحله را دلیل قاطع بر این مطلب گرفته که حسن و حسین دو پسر رسول خدا ص هستند؛ زیرا هنگامی که به دستور خدا مأمور شدند که در مباحله پسران‌شان را دعوت کنند، پیامبر ص حسن و حسین را دعوت کرد و با خود آورد. بنابراین واجب است که آن دو پسران پیامبر باشند.

فخر رازی که یکی از علمای برجسته اهل سنت است در باره شدت تعلق اهل بیت با پیامبر اسلام ص می‌گوید که شکی در این نیست که بین فاطمه، علی، حسن و حسین و بین پیامبر ص تعلق شدیدی وجود داشته و واجب است که آنان اولین مصداق آل محمد باشند و سپس در ذیل آیه مودت می‌گوید: شکی نیست که پیامبر اسلام ص فاطمه و علی و حسن و حسین را دوست داشتند، بنابراین مثل همین محبت و دوستی با آنان بر همه امت واجب است و آیات «وَأَتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» اعراف/158 و «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ» آل عمران/31 و «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» احزاب/21 دلیل بر این مطلب است و در ادامه می‌گوید: دعایی که در پایان تشهد نماز خوانده می‌شود که عبارت است از «اللهم صل علی محمد و علی آل محمد و ارحم محمدا و آل محمد» تعظیم بس بزرگی است که درباره احدی غیر از آنان وجود ندارد و تمام اینها دلالت بر این دارد که دوستی و محبت آل محمد واجب است و لذا امام شافعی گفته است که: ان كان رفضا حب آل محمد فليشهدان الثقلان أني رافضي.

اینکه پیامبر اسلام ص فرزندش امام حسین ع را بسیار دوست می‌داشتند، در احادیثی که در کتاب‌های اهل سنت نقل شده، منعکس شده است، پیامبر اسلام ص امام حسین ع را به حدی دوست داشت که مدام دهن او را می‌بوسید و می‌گفت: حسین از من است و من از حسینم. در حدیث دیگری آمده است که روزی حسین با بچه‌ها بازی می‌کرد در این هنگام رسول الله ص آمد،

او را در بغل گرفت و سپس یک دست خود را زیر چانه او گذاشت و با دست دیگر از قفای سر او گرفت و سرش را بلند کرد و دهانش را بر دهن او گذاشت و گفت: حسین از من است و من از حسینم، خداوند بیامرزد آن کسی را که حسین را دوست داشته باشد.

از طریق ابی هریره و دیگران نقل شده که روزی حسین داخل مسجد شد و خودش را به بغل رسول خدای انداخت و انگشتان خود را داخل محاسن رسول خدا کرد، در این هنگام رسول خدای دهن خود را بر دهن او گذاشت و فرمود: خدایا! من حسین را دوست دارم و تو هم او را و هر که او را دوست دارد دوست بدار. ابو هریره می‌گوید: بعد از اینکه هر گاه حسین را می‌دیدم، اشک از چشمانم جاری می‌شد. از رسول خدای نقل شده است که فرمود: «من احب الحسن و الحسین فقد احبنی و من ابغضهما فقد ابغضنی»؛ هر که حسن و حسین را دوست داشته باشد در حقیقت مرا دوست دارد و هر که با آنان دشمنی کند در حقیقت با من دشمنی کرده است (احمد بن حنبل، 1408).

با تمام این روایات و مطالبی که از طریق اهل سنت در باره اهل بیت و به خصوص امام حسین مبنی بر مقام و جایگاه او در نزد رسول خدای و محبت و دوستی آن حضرت و وجوب این محبت بر امت اسلامی نقل شده، وقتی به صفحات تاریخ رجوع شود، مشاهده می‌شود که بیشترین و بدترین ظلم بر اهل بیت رسول خدای روا داشته شده است. از میان این ظلم‌ها ظلمی که از طرف یزید بن معاویه بر فرزند رسول الله ص حضرت امام حسین انجام گرفت، در تاریخ بشریت نظیر آن وجود ندارد و در آینده هم چنین ظلمی واقع شدنی نخواهد بود؛ زیرا آنانی که خود را مسلمان می‌دانستند و از امت رسول خدای به شمار می‌آمدند، به نام اسلام، فرزند و پسر پیامبر خود شان را همراه با یاران او به بدترین و بیرحمانه‌ترین وضع کشتند و اطفال و زنان خانواده پاک پیامبر ص را به نام کافر و طاغی اسیر کرده و در شهرها در منظر مردم گشتانده و در مجالس یزید و عبیدالله بن زیاد آنان را از نظر جسمی و روحی مورد آزار و اذیت قرار دادند.

این واقعه تاریخی غیر قابل انکار است که امام حسین با یاران اندک خود به مظلومانه‌ترین وجه توسط یزید بن معاویه، در راه خدا و حفظ دین اسلام در کربلا و روز عاشورا سال 61 هجری به شهادت رسیده و خانواده پاک او که خانواده پیامبر ص بود با ظالمانه‌ترین وجه به اسارت گرفته شدند. بنابراین برای یک مسلمان واقعی و پیرو راستین قرآن و سنت، با توجه به آیات و روایاتی که نقل شد کافی است که نسبت به واقعه عاشورا اندوهگین و ماتم زده باشد و بدون شک بی تفاوتی نسبت به آن دلیل بر بی‌مبالاتی نسبت به دستور خدا و پیامبر خدای است، زیرا ممکن نیست کسی امام حسین را به عنوان قربی و اهل بیت پیامبر ص دوست داشته باشد، اما واقعه کربلا و عاشورا او را غمگین و ماتم زده نگرداند و نیز ممکن نیست کسی مسلمان باشد، اما قیام امام حسین را در برابر انحراف و ظلم و دشمنان اسلام به عنوان قیام ناب الهی در قالب مجالس و عزاداری گرامی ندارد.

دیدگاه اهل سنت در باره حادثه عاشورا

در موضع‌گیری اهل سنت در برابر حادثه عاشورا اهل سنت به دو دسته تقسیم می‌شود. یک دسته که اکثریت اهل سنت را تشکیل می‌دهد، اهل سنت معتدل و محب اهل بیت هستند، دسته دوم اهل سنت، پیرو بنی امیه و یزید بن معاویه است که نسبت به اهل بیت و امام حسین دید مثبتی ندارد بلکه می‌توان گفت دشمن اهل بیت هستند، این دسته امروز در قالب سلفیه و وهابیت در جهان اسلام معروف است.

اما درباره اهل سنت معتدل باید گفت که آنان از این حادثه ناگوار، غمگین و ناراضی هستند و عوامل آن را مورد نکوهش و گاهی مورد لعن قرار می‌دهند. موضع‌گیری این دسته از اهل سنت را می‌توان از مطالبی که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود به دست آورد:

علمای اهل سنت از پیامبر اسلام روایاتی را مبنی بر شهادت امام حسین نقل کرده که از آن جمله این روایت است: «... روزی حسین در کودکی بر پشت و گردن پیامبر بازی می‌کرد که جبرئیل به پیامبر گفت: آیا او را دوست داری؟ فرمود: بلی! جبرئیل گفت: امت تو او را خواهد کشت و سپس محل شهادت او را به پیامبر نشان داده و مشتی خاک سرخ رنگ را از آن محل برداشته و به ام سلمه می‌دهد...». و نیز روایاتی را در مورد حوادث روز عاشورا و بعد از آن نقل کرده که در یکی از این روایات چنین آمده است: «هنگامی که حسین بن علی کشته شد، آفاق آسمان تا چندین ماه رنگ سرخ را به خود گرفته بود و این سرخی آسمان حکایت از گریه آن داشته است».

بیشتر مفسرین اهل سنت این روایت را در ذیل آیه «فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ»²⁹ الدخان این سخن را آورده‌اند.

در تفسیر ابن ابی حاتم آمده است که آسمان از زمانی که دنیا بوده است بر هیچ کسی نه گریسته است، مگر بر دو نفر یکی یحیی بن زکریا و دیگری حسین بن علی و از زید بن زیاد نقل شده که چون حسین کشته شد، آفاق آسمان چهار ماه رنگ سرخ را به خود گرفته بود و از عطاء نقل شده که گریستن آسمان سرخ شدن اطراف آن است.

طبرانی نقل می‌کند که محمد بن حمید جهمی از اولاد ابی جهم در قتل حسین این شعر را که به زینب دختر عقیل بن ابی طالب منسوب است، انشاد کرد:

مَاذَا تَقُولُونَ إِنْ قَالَ الرَّسُولُ لَكُمْ مَاذَا فَعَلْتُمْ وَ أَنْتُمْ آخِرُ الْأُمَّمِ

بِأَهْلِ بَيْتِي وَ أَنْصَارِي وَ ذُرِّيَّتِي مِنْهُمْ أُسَارِي وَ قَتَلِي ضَرْبًا بَدِمِ

مَاكَانَ ذَاكَ جَزَائِي إِذْ نَصَحْتُ لَكُمْ أَنْ تَخْلُقُونِي بِسُوءِ فِي ذَوِي رَحِمِ

چه می‌گویید اگر رسول خداص به شما بگوید که به عنوان آخرین امت با اهل بیت و یاران و ذریه من چه کردید؟ برخی از آن‌ها را اسیر و برخی را کشته و با خون آغشته کردید، جزای من هنگامی که شما را نصیحت کردم این نیست که با خویشان من این گونه رفتار بد انجام دهید. از دیدگاه اهل سنت بنا بر آنچه که در متون روایی آن‌ها آمده، امت اسلامی با اهل بیت رسول خدا در آزمایش قرار دارد، زیرا بنا بر نقل خالد بن عرفطه رسول خداص فرموده بودند: زود است که شما بعد از من درباره اهل بیتم مورد آزمایش قرار خواهید گرفت. و این امتحان و ابتلاء تا پایان تاریخ همچنان ادامه دارد و لذا همانگونه که در روز عاشورا بسیاری از مسلمانان در معرض امتحان قرار گرفتند و فقط تعداد معدودی از این امتحان سربلند بیرون آمدند، امروز نیز مسلمانان با موضع‌گیری در قبال این واقعه همچنان امتحان می‌شوند و هر که به دلیل محبتی که نسبت به امام حسین و خاندان رسول خداص دارد از آن غمگین شود و کسانی را که باعث این حادثه شده و ظلم‌هایی را بر این خاندان پاک روا داشتند، از خود طرد کنند سربلند خواهند بود، اما آنانی که در قبال این واقعه دردناک بی‌تفاوت هستند و یا از یزید و یاران او

حمایت می‌کنند، قطعاً در این امتحانی که رسول خدا آن را برای امت خود قرار داده است مردود و در روز جزا در برابر رسول الله ص و شرمسار و سرافکننده خواهند بود.

قیام عاشورا از دیدگاه اهل سنت

گاهی عدم اطلاع کافی از دیدگاه یک مذهب و یا یک شخص موضع‌گیری‌های سرسختانه و غیر منطقی را به دنبال دارد که منجر به اتهام و نزاع می‌شود. این امر ناپسند درحادثه کربلا نیز نمایان است. مطلب زیر به بررسی دیدگاه اهل سنت نسبت به قیام عاشورا می‌پردازد تا به این وسیله به رفع پندارهای ناروا در این زمینه کمک نماید:

زمان قیام عاشورا از دیدگاه اهل سنت

از دیدگاه اهل سنت، معاویه در مقابل حضرت علی (ع) که به عنوان خلیفه واجب‌الاطاعه انتخاب شده بود، از در مخالفت وارد شد. جنگ‌های مختلف به راه انداخت و «حسن بن علی» را که بعد از پدرش به عنوان خلیفه انتخاب گردیده بود، با فشار کنار زد و خود را به قدرتی که تشنه آن بود، رسانید. ولی او به این هم اکتفا نکرد خلافت را که یک امر خدایی، معنوی و دینی بود به یک امر موروثی و سلطنتی تبدیل نمود

نهضت امام حسین (ع) از دیدگاه اهل سنت

نهضت امام حسین (ع) از نادرترین رخدادهایی است که تفکر انسانها را به خود معطوف داشته است و در تاریخ اسلام ارزش والایی دارد. شهادت حسین بن علی (ع) حیات تازه‌ای به اسلام بخشیده، خونها را به جوشش آورد و تنها را از رخوت خارج ساخت. حرکت امام حسین (ع)، حرکتی است مستمر برای همه نسلها و همه عصرها است.

حادثه کربلا در میان اهل تسنن موجی ایجاد کرد که زبان و قلم دانشمندان آنان گاه ناخواسته و زمانی با شجاعت به توصیف و تجزیه و تحلیل آن پرداخته است. شوکانی در کتاب ((نیل الاوطار)) در رد بعضی از سخنوران درباری می‌گوید: به تحقیق عده‌ای از اهل علم افراط ورزیده، چنان حکم کردند که: حسین (ع) نوه پیامبر - که خداوند از او راضی باشد... نافرمانی یک آدم دائم الخمر را کرده و حرمت شریعت یزید بن معاویه را هتک کرده است. خداوند لعنتشان کند، چه سخنان عجیبی که از شنیدن آنها مو بر بدن انسان راست می‌گردد. یزید می‌خواست خلافت در خاندان بنی‌امیه دست بدست شود. دوم یزید فردی نیست که بتواند به عنوان خلیفه و امیرالمؤمنین مطرح شود. معاویه با صراحت کامل این نکته را ابراز داشته است: «ولن یأتیکم بعدی إلاّ منّ أنا خیر منّه، کما أنّ من کان قبلی خیر منّی» یعنی رهبری شما مردم را بعد از من کسی به عهده خواهد گرفت که بدتر از من است چنانچه من بدتر از آنها می‌باشم که قبل از من بودند (ابن‌اثیر، 1385). دوم دعوت مردم کوفه از امام را می‌توان به عنوان عامل دوم نهضت او به شمار آورد. از زمان رفتن امام در مکه، مردم کوفه در مراحل مختلف به امام نامه نوشته و اطاعت خود را از امام اعلام می‌دارند، بر همین اساس، امام نمایندگان خود را به سوی آنان می‌فرستد، ولی آنان ناجوانمردانه به جای استقبال از نمایندگان امام آنان را به عنوان یک فرد غریب درکوجه‌ها تنها می‌گذارند. سوم امر به معروف و نهی از منکر عمده‌ترین عامل برای قیام امام حسین به شمار می‌آید، و او را مصمم ساخته تا آخر خط، به راه خود ادامه دهد چون او در جامعه بدعت‌ها، بی‌بندوباری‌ها و انحراف از راه راست را مشاهده می‌کند و اهل بیت را سزاوارترین افراد جامعه برای موضع‌گیری در قبال این انحرافات می‌داند.

جایگاه قیام امام حسین(ع) در میان اهل سنت

امام حسین(ع) جدش رسول خدا، خاتم النبیین(ص)، پدرش علی خلیفه مسلمین و مادرش فاطمه سیده النساء اهل الجنة است. در روایاتی که از رسول الله روایت شده به خوبی جایگاه امام را نشان می دهد: «الحسن و الحسین سیدا شباب اهل الجنة و آن فاطمة سیده النساء اهل الجنة» یعنی در این روایت حسن و حسین (ع) به عنوان سید جوانان اهل بهشت و فاطمه زهرا سیده زنان بهشت معرفی شده اند. در جای دیگر دارد: «الحسن والحسین من أحبهما أحبته و من أحبته أحبته الله و من أحبته الله أدخله جنات المقیم، و من أبغضهما أو بغی علیهما أبغضته و من أبغضته أبغضه الله و من أبغضه الله أدخله نار جهنم و له عذاب مقیم». در این روایت دوستی امام حسن و امام حسین (ع) زمینه ساز دوستی خدا و رسولش معرفی شده است و به دنبال آن خلود در بهشت برین خواهد بود، کما این که دشمنی با آنها زمینه دشمنی خدا و رسول را فراهم می کند و انسان را به سوی زندگی همیشگی جهنم می کشاند. منابع اهل سنت افزون بر سوگواری های متعدد پیامبر برای امام حسین علیه السلام، از یکی از امانت های پیامبر نزد همسر بزرگوارش ام سلمه پرده برداشته اند. ترمذی، یکی از صحاح نویسان معروف اهل سنت، نقل می کند که سلمی گفت: خدمت ام سلمه رسیدم و او گریه می کرد. از ام سلمه پرسیدم: چرا گریه می کنی؟ او در پاسخ گفت: رسول خدا را دیدم (در خواب) سر و صورت و محاسن آن حضرت پر از خاک بود. عرض کردم: ای رسول خدا شما را چه شده است؟ حضرت فرمود: همین حالا شاهد کشته شدن حسینم بودم

نتیجه گیری

دیدگاه اکثریت مورخان و نویسندگان اهل سنت در رابطه با قضایای کربلا و شهادت امام حسین - علیه السلام - همان طور که بیان شد، تأیید حرکت امام حسین - علیه السلام - و تخطئه اقدامات یزید می باشد. این گروه یزید را فردی ظالم، بزه کار و قاتل امام حسین - علیه السلام - می دانند و برخی حتی معاویه را هم مقصر می دانند. «ابوالحسن اشعری» می نویسد: «چون ستمگری یزید از حد گذشت امام حسین - علیه السلام - با یاران خود علیه بیداد او قیام کرد و در کربلا به شهادت رسید.» ابوفلاح حنبلی می نویسد: «شانزده تن از اهل بیت امام حسین - علیه السلام - که در آن روزگار کسی همانند آنها نبود همراه او به شهادت رسیدند. خدا انجام دهنده آن را بکشد و خوار گرداند هر آن کس را که بدان امر کرد و رضایت داد.» ابن خلدون می نویسد: «این عمل یزید یکی از اعمالی است که فسق او را تأکید و تأیید می کند و حسین در این واقعه شهید و در نزد خدا مأجور است و عمل او بر حق و از روی اجتهاد است.» ابن خلدون یزید را ظالم و قیام امام حسین - علیه السلام - را قیام علیه ظلم معرفی می کند «... یزید از عدالت به دور بوده و حسین - علیه السلام - علیه یک حاکم ظالم قیام کرده بود.»

تقریباً اکثر نویسندگان اهل سنت بر کشته شدن مظلومانه امام حسین - علیه السلام - و گناه کار بودن یزید متفق هستند. این دیدگاه در حال رشد و ترقی می باشد. نواندیشان سنی با ادله محکم این امر را ثابت کرده اند.

منابع و ماخذ

برشطی از حماسه و حضور، مجموعه مقالات، قم، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، 1375، ص 267، بهنقل از: « شذراتالذهبیمن اخبار من ذهب» ج 2، ص 67.

محمد بن جریر طبری، الرسل و الملوك، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ 5، سال 1375، ج 7، ص 3071.

اسماعیل بن کثیر، البدايه و النهايه، بیروت، دارالمعرفه، چاپ 4، سال 1419، مجلد 4، ج 8-7، ص 600.

اشعاری همانند: «لعبت هاشم بالملك فلا خبر جاء و لا وحی نزل» و «قد اخذنا الثار منكم يا حسين» مراجعه شود به کتاب عبدالرحمن شرقاوی، الحسين ثائراً و شاهداً، ص 411.

ابن عربی، العواصم من القواصم، قاهره، المطبعه الاسلاميه، سال 1371 هـ، ج 2، ص 232.

من جمله حدیث «ان الحسين مصباح الهدی و سفینه النجاه» بحار، ج 36، ص 205.

ابن عربی، پیشین، ص 233.

بر شطی از حماسه و حضور، پیشین، ص 267، به نقل از «مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین»، ص 45.

همان، ص 282، به نقل از «شذرات الذهب من اخبار من ذهب»، ج 2، ص 67.

ابن خلدون، مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران مرکز انتشارات علمی فرهنگی، چاپ 4، سال 1362، ج 1، ص 417.

ابن العربی مالکی، العواصم من القواصم، تحقیق: محب‌الدین الخطیب، ریاض، الشركه العامه لادارات البحوث العلميه و الافتاء و الدعوه و الارشاد، 1404 ق/ 1984 م.

ابن تغری بردی، یوسف، مورد اللطافه فی من ولی السلطنه و الخلافه، ج 1، تحقیق: نبیل محمد، عبدالعزیز احمد، القاهره، دارالکتب المصریه، 1997 م.

ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، منهاج السنه النبویه فی نقض کلام الشیعه القدریه، ج 4، تحقیق: محمد الرشاد سالم، بی جا، جامعه الامام محمد بن سعود الاسلامیه، اداره الثقافه و النشر، 1406 ق/ 1986 م.

ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، الرد علی المتعصب العنید المانع من لعن یزید، به تحقیق الشیخ محمد کاظم المحمودی، بیروت، (بی نا)، 1403 ق/ 1983 م.

ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، المقدمه، ج 1، چاپ 5، بیروت، دارالقلم، 1984 م.

ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، ج 1، تهران، علمی فرهنگی، چاپ 4، 1362 ش.

ابن عماد حنبلی، ابی فلاح، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، ج 1، بیروت، دارالفکر، 1414 ق/ 1994 م.

اسماعیل زاده، محمد، امام حسین در منظر اهل سنت و تشیع، مجموعه مقالات همایش امام حسین (ع) و دیدگاه‌ها، ج 11، تهران، مجمع جهانی اهل بیت (ع) با مشارکت نشر شاهد، 1381 ش.

- اشعری، علی بن اسماعیل، مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین، چاپ سوم، تصحیح هلموت ریتر، بی جا، دارالنشر فرائر شتاینر بقیسبادن، چاپ سوم، 1400 ق/ 1980 م.
- تفتازانی، مسعود بن عمر، شرح العقائد النسفیة، چاپ احمد حجازی السقا، قاهره، مکتبه کلیات الازهریه، 1408 ق / 1988 م.
- سبطین جوزی، یوسف بن قزا وعلی، تذکره الخواص به ذکر خصائص الائمہ، (شرح حال خاندان نبوت، ترجمه محمد رضا عطائی، مشهد، شرکت به نشر، 1379 ش.
- سلطانی، مجتبی، بر شطی از حماسه و حضور: مجموعه مقالات به مناسبت ایام تبلیغی ماه محرم و صفر 1417 مطابق با خرداد، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، 1375 ش.
- شرقاوی، عبدالرحمن، الحسین نائراً و شهیداً، بیروت، العصر الحدیث للنشر و التوزیع، چاپ دوم، 1405 ق.
- صدر حاج سیدجواد، احمد و (دیگران)، دایره المعارف تشیع، ج 11، تهران، نشر شهید سعید محبی، 1384 ش.
- عاصمی مکی، عبد الملک بن حسین، سمط النجوم العوالی فی انباء الاوائل والتوالی، ج 3، تحقیق: عادل احمد عبد الموجود، علی محمد معوض، بیروت، دار الکتب العلمیه، 1419 ق/ 1998 م.
- عقاد، عباس محمود، ابوالشهداء الحسین بن علی، تحقیق: محمد جاسم الساعدی، تهران، المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الاسلامیه، 1429 ق/ 2008 م.
- علائلی، عبدالله، الامام حسین، چاپ اول، قم، انتشارات شریف رضی، 1374 ش.
- علائلی، عبدالله؛ تاریخ الحسین نقد و تحلیل، بیروت، دارالجديد، 1994 م.
- غزالی، ابوحامد محمد بن محمد، احیاء العلوم الدین، ج 3، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1406 ق.
- غزالی، محمد، الاسلام و الاستبداد السیاسی، دمشق، دارالقلم، 1424 ق/ 2003 م.
- قطب، سید، العدالة الاجتماعیه فی الاسلام، قاهره، دارالشروق، 1413 ق/ 1993 م.
- قطب، سید، عدالت اجتماعی در اسلام، ترجمه محمد علی گرامی و سیدهادی خسروشاهی، تهران، کلبه شروق، 1379 ش.
- قطب، سید، فی ظلال القرآن، ج 12، ترجمه مصطفی خرم دل، تهران، نشر احسان، 1383 ش.
- لاهوری، اقبال، کلیات اشعار، با مقدمه احمد سروش، تهران، کتابخانه سنائی، 1360 ش.
- محمد خالد، خالد، ابناء الرسول فی کربلاء، قاهره، دار المقطم، 1425 ق/ 2004 م.
- مودودی، ابوالاعلی، خلافت و ملوکیت، ترجمه خلیل احمد حامدی، پاره، بیان، 1405 ق.
- موسوی بجنوردی، محمد کاظم، دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج 10، تهران، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، 1380 ش.
- ناصری داوودی، عبدالحمید، انقلاب کربلا از دیدگاه اهل سنت، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، 1386.
- هاشمی نژاد، سیدعبدالکریم، درسی که حسین به انسانها آموخت، چاپ 12، تهران، فراهانی، 1314 ق.
- ابن خلدون، عبدالرحمن، «تاریخ ابن خلدون»، ج 3، ص 18-22، لبنان، انتشارات اعلمی، 1391 ه؛ و طبری، محمد، «تاریخ طبری»، ج 4، بیروت، 1879 م، ص 237. و ابن اثیر، علی، «الکامل»، ج 4، ص 14-80، بیروت، 1385 ه. ق.
- ابن خلدون، همان، ص 21؛ و طبری، همان، ص 241. و یعقوبی، احمد، «تاریخ یعقوبی»، ج 2، ص 241، قم، نشر فرهنگ اهلبیت.
- ابن اثیر، علی، «الکامل فی التاریخ»، ج 4، ص 4، 5، بیروت، 1385 ه. ق.

دوره 1، شماره 1، زمستان 1394، صفحات 1-10

ابن حنبل، احمد، «مسند»، ج 5، ص 391، بيروت، دارالاماره.

متقى هندی، علاء الدين، «كنز العمال»، ج 12، ص 120، بيروت، مؤسسه الرساله، 1409 ه.ق.

محمد خالده، خالد، «ابناء الرسول فى كربلا»، ص 28-29، چاپ پنجم، شعبان 1406 ه.ق.